

اموزش تہانوی

پای کوربت

ترجمہ محسن سلیمانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آموزش داستان نویسی

سطح دو

درباره نویسنده

پای کوربت معلم، نویسنده و شاعر انگلیسی (بریتانیایی) است و زمینه اصلی کارش ادبیات کودکان و نوجوانان است. او در رشته علوم تربیتی تحصیل کرده و تاکنون بیش از دویست اثر داستانی، ادبی و آموزشی نوشته است.

این کتاب را به همهٔ معلم‌هایی هدیه می‌کنم که داستان‌نویسی را در قلب و ذهن بچه‌ها زنده نگه می‌دارند. همین‌طور سپاسگزارم از همهٔ معلم‌هایی که به من کمک کردند تا این هدف‌ها را عملی کنم.

پای کوربت

شرکت انتشارات ویژه نشر
حق انحصاری نشر اثر (Copyright) کتاب:
How to Teach Fiction Writing
at Key Stage 2
را از انتشارات David Fulton (ناشر اصلی)
برای ترجمه به زبان فارسی خریداری کرده است.

پای کوربت
ترجمه محسن سلیمانی

آموزش داستان نویسی سطح دو

سرشناسه کوربت، پای، ۱۹۴۵ - م.
corbett, Pie
عنوان و نام پدید آور آموزش داستان نویسی سطح دو / نویسنده پای کوربت؛ مترجم محسن سلیمانی.
مشخصات نشر تهران: ویژه نشر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری ۱۱۹ ص:، مصور، جدول، نمودار.
شابک ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۴۰-۷۸-۳
شابک دوره: ۰۰-۷۹-۷۴۴۰-۹۶۴-۹۷۸
فیفا وضعیت فهرست نویسی
یادداشت عنوان اصلی: How to Teach Fiction Writing at Key Stage 2
یادداشت وازه نامه.
موضوع داستان نویسی - - راهنمای آموزشی (آموزش ابتدایی)
شناسه افزوده سلیمانی، محسن، ۱۳۳۸ - ، مترجم
رده بندی کنگره PN ۳۳۵۵/ک۹ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی ۸۰۸/۳
شماره کتابشناسی ملی ۴۱۷۹۶۴۰

آموزش داستان نویسی - سطح دو

نویسنده: پای کوربت

مترجم: محسن سلیمانی

چاپ اول: ۱۳۹۵

تعداد: ۱۱۰۰ نسخه

ناشر: شرکت انتشارات ویژه نشر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۴۰-۷۸-۳

شابک دوره: ۰۰-۷۹-۷۴۴۰-۹۶۴-۹۷۸

آدرس: تهران - خیابان استاد نجات اللهی - کوچه هواپیمایی - پلاک ۱

تلفن: ۰۲۱۸۸ ۹۱۰۰۹۱ فاکس: ۰۲۱۸۸ ۹۱۰۴۳۰

www.vijehnasr.com info@vijehnasr.com

لیتوگرافی و چاپ: طایفه



ویژه نشر
vijehnasr

● کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً برای ناشر محفوظ و هرگونه بهره برداری از این کتاب، موقوف به اجازه کتبی ناشر می باشد. نقل بخشی از متن با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

	■ مقدمه	
	چرا داستان مهم است؟..... ۹	۹
	چگونه از این کتاب استفاده کنیم؟..... ۹	۹
	نوشتن یادداشت روزانه..... ۱۰	۱۰
	جمع‌آوری تکه‌های جالب..... ۱۱	۱۱
	نویسنده‌ها کلاغ زاغ هستند..... ۱۱	۱۱
	اداره کارگاه نویسندگی..... ۱۲	۱۲
	ایجاد حال و هوای نویسندگی..... ۱۳	۱۳
	گرم کردن با کلمات..... ۱۴	۱۴
	آیا بچه‌ها تخیل ندارند؟..... ۱۵	۱۵
	در انتظار الهام..... ۱۶	۱۶
	شکار سوژه‌ها..... ۱۶	۱۶
	روشن کردن شعله خلاقیت..... ۱۸	۱۸
	هنگام نگارش..... ۱۸	۱۸
	پیدا کردن فضای داستانی..... ۱۹	۱۹
	دستور زبان مناسب برای تخیل..... ۱۹	۱۹
	بعد از نگارش..... ۲۰	۲۰
	نویسندگی به عنوان بازی جدی..... ۲۰	۲۰
۲۱	■ فصل ۱	
	دستیابی به داستان	
	طراحی یا کشف؟..... ۲۱	۲۱
	توصیه‌هایی به نویسنده‌ها..... ۲۲	۲۲
	هفت شیوه برای پیدا کردن و ساختار بندی طرح..... ۲۳	۲۳
	آشنایی با چهار کارگاه اصلی..... ۲۶	۲۶
	کارگاه مقدماتی ۱:	
	فنونی برای خلق سوژه‌های داستانی..... ۲۷	۲۷
	حفظ دائم سوژه‌ها..... ۲۷	۲۷
	تولید سوژه با تداعی معانی..... ۲۷	۲۷
	جستجوی خاطرات..... ۲۹	۲۹
	وقت گذاشتن برای خیال پردازی‌های روزانه..... ۳۰	۳۰
	تجسم سوژه‌ها..... ۳۰	۳۰
	چیزهایی برای فعال کردن ذهن..... ۳۱	۳۱
	تولید نقشه‌های ذهنی..... ۳۱	۳۱
	گفتن قبل از نوشتن..... ۳۳	۳۳
	توصیه‌های نگارشی..... ۳۳	۳۳

۴۷	■ فصل ۲	کارگاه مقدماتی ۲:
	اهداف	
۴۸	کارگاه ۱: طراحی شخصیت داستان.....	۳۴ خلق حادثه‌های آغازگر و طرح‌های داستانی.....
۴۹	نام‌ها.....	۳۴ طرح‌های داستانی.....
۴۹	جزئیات خاص.....	۳۵ حادثه‌های آغازگر داستان.....
۵۰	احساس‌های شخصیت.....	۳۶ توصیه‌های نگارشی.....
۵۰	انواع شخصیت.....	
۵۱	سؤال‌های مهم درباره شخصیت.....	کارگاه مقدماتی ۳:
۵۲	کارگاه ۲: شخصیت‌پردازی با گفتار و رفتار	۳۶ دزدیدن طرح داستان‌های مشهور.....
۵۲	شخصیت‌ها	۳۹ توصیه نگارشی.....
	شما نیازی به توصیف بیش از حد شخصیت	کارگاه مقدماتی ۴:
۵۲	ندارید	۴۰ استفاده از الگوهای داستانی مشترک.....
۵۳	شخصیت‌ها را با حرف‌هایشان نشان دهید.....	۴۰ قصه آرزو.....
۵۴	توصیه‌های نگارشی.....	۴۱ قصه هشدار.....
۵۴	شخصیت‌ها را با اعمالشان نشان دهید.....	۴۲ قصه گم شدن یا از دست دادن.....
۵۵	کارگاه ۳: نشان دادن به جای گفتن.....	۴۳ قصه پیدا کردن.....
۵۵	بازی کردن نقش شخصیت‌ها.....	۴۳ قصه جستجو.....
۵۶	توصیه‌های نگارشی.....	۴۳ قصه شکست غول.....
		۴۴ قصه رودررویی.....
		۴۵ قصه ترس.....
		۴۵ توصیه‌های نگارشی.....

■ فصل ۳

مکان و زمان داستان

اهداف

- کارگاه ۱: خلق مکان‌ها و زمان‌ها..... ۵۷
- به جاهای واقعی فکر کنید..... ۵۷
- استفاده از اسامی مناسب برای مکان‌ها..... ۵۸
- دقیق و روشن بنویسید..... ۵۸
- زمان روز را مشخص کنید..... ۵۹
- هوا را هم توصیف کنید..... ۵۹
- زنده کردن مکان و زمان در داستان..... ۶۰
- توصیه‌های نگارشی..... ۶۱
- کارگاه ۲: مکان و زمان‌های ترسناک..... ۶۱
- توصیه‌های نگارشی..... ۶۳
- کارگاه ۳: مکان و زمان در انواع داستان..... ۶۳
- توصیه‌های نگارشی..... ۶۵

■ فصل ۴

شروع داستان‌ها

اهداف

- کارگاه ۱: نوشتن سطرهای شروع داستان..... ۶۶

- کارگاه ۲: نوشتن پاراگراف‌های شروع داستان..... ۶۸
- کارگاه ۳: شروع داستان با شخصیت..... ۶۹
- کارگاه ۴: شروع داستان با زمان و مکان..... ۷۰
- کارگاه ۵: شروع داستان با حادثه..... ۷۰
- توصیه‌های نگارشی..... ۷۱

■ فصل ۵

پاراگراف بندی

اهداف

- کارگاه ۱: گره‌گشایی و پایان‌بندی..... ۷۳
- نوشتن گره‌گشایی و پایان‌بندی..... ۷۳
- کارگاه ۲: پایان‌بندی..... ۷۴
- توصیه‌های نگارشی..... ۷۵
- نشان دادن تغییر شخصیت..... ۷۶
- کارگاه ۳: حوادث..... ۷۷
- کارگاه ۴: مقدمه چینی..... ۷۹
- کارگاه ۵: تعلیق (شک و انتظار)..... ۸۰
- کارگاه ۶: مشکل (بلا تکلیفی)..... ۸۱
- کارگاه ۷: فن تعلیق آویزان از پرتگاه..... ۸۳
- کارگاه ۸: فن بازگشت به گذشته..... ۸۵

- استفاده از جملات پیچیده (مرکب ناهمپایه)..... ۹۷
- کارگاه ۳: استفاده از شگردهای ادبی..... ۹۸
- بازی با آواها..... ۹۸
- تصویرسازی در ذهن خواننده..... ۹۹
- کارگاه ۴: تغییر زاویه دید..... ۱۰۱
- توصیه‌های نگارشی..... ۱۰۴

- کارگاه ۹: عوض کردن پاراگراف..... ۸۶
- توصیه‌های نگارشی..... ۸۸

■ فصل ۶

۸۹

سبک نگارش

اهداف

- کارگاه ۱: استفاده از کلمات..... ۹۰
- اسم‌ها..... ۹۰
- صفت‌ها..... ۹۱
- فعل‌ها..... ۹۱
- قیدها..... ۹۲
- انتخاب کلمات برای نوشتن جمله‌های جذاب..... ۹۳
- کارگاه ۲: ایجاد تنوع در جملات..... ۹۴
- استفاده از سؤال..... ۹۴
- استفاده از جمله‌های تعجبی..... ۹۴
- استفاده از جملات کوتاه و بلند..... ۹۵
- استفاده از شروع جملات متنوع..... ۹۵
- استفاده از جملات مرکب..... ۹۶

■ ۱۰۵

■ فصل ۷

انواع داستان

اهداف

- کارگاه: بازی با انواع داستان‌ها..... ۱۰۵
- توصیه نگارشی..... ۱۰۸
- سوزده‌های سریع داستانی..... ۱۰۸
- ۱۱۳
- انگلیسی فارسی..... ۱۱۳
- فارسی انگلیسی..... ۱۱۶
- منابع مفید دیگر درباره داستان‌نویسی..... ۱۱۹

مقدمه

چرا داستان مهم است؟

خواندن داستان نوعی جادوگری است. همه این را می‌دانند. خواندن یک داستان خوب ما را به دنیای دیگری می‌برد، دنیایی که هر اتفاقی ممکن است در آن رخ دهد. ما کلمات را روی صفحات کاغذ می‌بینیم و در دنیای دیگری غرق می‌شویم، باوجوداین در ذهنمان با داستان در جای بسیار جذاب‌تری زندگی می‌کنیم: در خیال.

داستان‌نویسی هم نوعی جادوگری است. ما در کار نوشتن غرق می‌شویم و می‌توانیم مکان دیگری خلق کنیم و شخصیت‌هایمان را تماشا کنیم که داستان زندگی‌شان را بازی می‌کنند. به قول نیکوی ۷ ساله: «من از داستان‌نویسی خوشم می‌آید زیرا انسان هیچ‌گاه درست نمی‌داند چه اتفاقی قرار است بیفتد». همین جنبه داستان، خود سفری همراه با کشف-پیداکردن قصه‌ای قابل تعریف که به سمت پایان خود حرکت می‌کند- است که تا این اندازه لذت‌بخش به نظر می‌رسد.

داستان‌ها کمک می‌کنند زندگی خود را درک کنیم و توضیح دهیم که چه کسی هستیم، چه اتفاقی برایمان رخ داده است و چه اتفاقی ممکن است رخ دهد. بیشتر مواقع ما داستان‌هایمان را با استفاده از حوادثی می‌سازیم که برایمان رخ داده است یا با خیال پردازی داستانی را می‌سازیم که ممکن است برایمان رخ دهد. روایت مثل یک الگو است که ما آن را روی زندگی‌هایمان پهن می‌کنیم تا بتوانیم خودمان و جهانمان را درک کنیم. ما با داستان می‌توانیم از تاریکی وجود خود یا بیرون بگذاریم. داستان کارکرد واقعی آموزشی- تربیتی دارد.

چگونه از این کتاب استفاده کنیم؟

این کتاب، درسنامه‌ای برای معلمان کلاس سوم تا ششم دبستان است؛ پیشنهادهایی برای کارگاه‌های نویسندگی است و به جنبه‌های اصلی داستان‌نویسی می‌پردازد. هر بخش از کتاب ضمن اینکه اهداف

سوادآموزی ملی را برآورده می‌کند، موجب می‌شود که معلم به راحتی از آن برای پرورش جنبه‌های مختلف داستان‌نویسی دانش‌آموزان استفاده کند. در کتاب همچنین فعالیت‌ها و متن‌هایی برای نشان دادن نحوه نوشتن یا بحث در کلاس پیشنهاد شده است. همه اینها را می‌توان با خواندن داستان‌های معاصر در کلاس، قوت و قدرت بخشید.

کتاب به این منظور نوشته شده تا معلم بتواند مستقیماً از روی آن، تدریس کند و از مثال‌های آن بهره ببرد. مواد کتاب را می‌توان متناسب با نوع کلاس و سطح دانش‌آموزان، با سخت‌گیری یا انعطاف بیشتری تدریس کرد. مواد برخی از کارگاه‌ها احتمالاً برای چندین جلسه کافی است اما شاید در عمل مشخص شود که برخی فقط جوابگوی یک جلسه است. البته پیشنهادهای پایه‌ای طوری ارائه شده‌اند که می‌توان آن‌ها را در سال‌های مختلف تکرار کرد.

نوشتن یادداشت روزانه

ما درباره چیزهایی که خیلی خوب می‌دانیم، خوب می‌نویسیم. واقعاً هم درباره چه چیز دیگری غیر از این می‌توان نوشت؟ من هر نویسنده‌ای را که دیده‌ام دفتر یادداشتی برای نوشتن فکرهايش، حرف‌هایی که یواشکی شنیده، تکه‌هایی از گفت‌وگوها،^۱ اداها و رفتارها، چیزهای عجیبی که دیده، افکار جذاب و مشاهدات زندگی روزمره، داشته است. برخی از این چیزها در نوشته‌های نویسنده‌ها آشکار می‌شود. بنابراین آن‌ها از مشاهدات واقعی استفاده می‌کنند و آن‌ها را در خلق داستانی براساس فرض خیالی «چه می‌شد، اگر...» به کار می‌گیرند. آن فاین^۲ می‌گوید: «من اغلب به این چه می‌شد اگر... فکر می‌کنم. مثلاً چه می‌شد اگر موجوداتی از سیاره‌ای دیگر به سیاره ما می‌آمدند و می‌خواستند ما را کباب کنند، سرخ کنند یا آب‌پز کنند و بخورند؟» ترزا برس‌لین^۳ در این باره می‌گوید: «همه کتاب‌های من با حوادث واقعی شروع می‌شوند».

بنابراین بد نیست بچه‌ها نیز دفتر یادداشت روزانه داشته باشند تا فکرها مفید، پیشنهادها، توصیه‌های نویسنده‌گی، فهرستی از کلمات و خلاصه هر چیزی را که برای کار نویسنده‌گی آن‌ها مفید است در آن بنویسند؛ چیزهایی مثل: فهرستی از افعال قوی، افعال قبل از متن گفت‌وگوها، چگونگی ارائه گفت‌وگوها، شیوه‌های شخصیت‌پردازی، فهرست حروف (ساده و مرکب) ربط، کلماتی که املاي آنها را نادرست می‌نویسم، الگوهای طرح و غیره. این دفتر یادداشت‌ها باید هنگام نوشتن در دسترس بچه‌ها باشد تا از آن‌ها استفاده کنند. به علاوه از دفتر یادداشت می‌توان مثل دفتر طراحی نقاش‌ها استفاده کرد: این دفتر می‌تواند منبعی از کارهای احتمالی در آینده و نیز محل آزمایش‌های نویسنده باشد. می‌توان در آن سوزن‌های داستانی، شخصیت‌ها و مکان‌های غیرعادی، و حوادث و خاطرات جالب را یادداشت کرد.

- 1 . snippets of conversation
- 2 . Anne Fine
- 3 . Theresa Breslin
- 4 . speech verbs

جمع‌آوری تکه‌های جالب

بتسی بیارز^۱ در شرح زندگی^۲ اش «ماه و من»^۳ می‌گوید: «استفاده از تکه‌های جالب و زیاد خاطرات در یک کتاب مثل همان تکه‌هایی که در لحاف‌های چهل‌تکه مورد استفاده‌اند، مهم هستند. من همیشه فکر می‌کنم کتاب‌هایم همان تکه‌های زندگی‌ام هستند چون من در دفتر یادداشت‌هایم همه تکه‌های خوبی را که می‌شنوم، می‌خوانم و می‌بینم، می‌نویسم. گاهی از خودم می‌پرسم آدم‌هایی که چیزهای خوب زندگی‌شان را یادداشت نمی‌کنند واقعاً با آنها چه کار می‌کنند؟» این تکه‌ها چیزهای زیادی هستند که ما متوجه آنها می‌شویم و یک‌دفعه جذمان می‌کنند و اگر شما نویسنده نباشید احتمالاً فوری آنها را فراموش می‌کنید. لازم نیست این چیزها حتماً یک اتفاق نمایشی و مهیج باشند. در واقع خیلی وقت‌ها آنها فقط برخی جزئیات، لغزشی زبانی یا حتی طرز گرفتن یک گوشی همراه هستند. تد هیوز^۴ می‌نویسد: «نویسنده‌ها فقط وقتی جذاب می‌نویسند که درباره چیزهایی که واقعاً مجذوبشان کرده است بنویسند.» آری، برخی از چیزهایی که اخیراً برای من جالب بوده از این قرار است:

- چند وقت پیش در فروشگاه کتاب واتر استون، به‌طور اتفاقی شنیدم که یک خانم با صدایی گوش‌خراش پرسید: «من دنبال ارنست همینگوی هستم.» خیلی دوست داشتم در جواب این خانم بگویم: «متأسفم خانم. ایشان همین الان با عجله رفتند.»
- یک گربه سیاه دیدم که یک ماهی قرمز در دهانش بود و به سرعت از جایی می‌گذشت.
- پیرزنی را دیدم که در کیفش یک توپ پلاستیکی راگبی بود.
- سگ پاکوتاهی دیدم که در یک کیف دستی بود و داشت در کلیسا با بقیه سرود می‌خواند.
- یک لاک‌پشت در بزرگراه پیدا شد.

نویسنده‌ها کلاغ زاغ هستند

یکی از بدترین چیزها برای نابودکردن خلاقیت در بچه‌ها این است که معتقد شویم بچه‌ها تجربه‌هایی باارزش برای نوشتن ندارند. کسانی که این اعتقاد را دارند، می‌گویند زندگی بچه‌ها ارزش نوشتن ندارد. اما اگر ما دنیای بچه‌ها را بی‌ارزش بدانیم، در واقع آنها را بی‌ارزش دانسته‌ایم. شاید تجربیات آنها چیزهایی نباشد که ما دلمان می‌خواهد، اما زندگی بچه‌ها منبعی دست‌اول و سرچشمه‌ای برای نویسندگی آنهاست. باید به بچه‌ها کمک کنیم که همچون کلاغ زاغ از تجربیاتشان در زندگی چیزهایی را بدزدند و در نوشته‌هایشان به کار بگیرند، چیزهایی مثل مکان‌ها و آدم‌هایی که می‌شناسند و حوادث و

1. Byars, Betsy
2. autobiography
3. The Moon and Me
4. Ted Hughes

احساس‌هایی را که تجربه کرده‌اند. چارلز بوکوسکی^۱ می‌گوید: «من چیز تازه‌ای برای خلق کردن ندارم.» به‌گمان من نویسنده‌ها از سه نظر با دیگران فرق دارند:

۱. وقتی اتفاقی می‌افتد آنها به چیزهایی که احتمال دارد در نوشته‌هایشان استفاده کنند، توجه می‌کنند.
۲. آنها به تجربیاتشان اهمیت می‌دهند و به آنها به چشم منبعی برای خلاقیتشان نگاه می‌کنند.
۳. آنها تکه‌های تجربیاتشان را می‌نویسند یا به ذهن می‌سپرند و همیشه مترصد استفاده از آنها هستند.

به همین علت یادداشتهای روزانه منبع بزرگی از سوژه‌ها، فکرها و زبان مردم است. بدون دفتر یادداشت بسیاری از نویسنده‌ها کم‌مایه می‌شوند، تو گویی گره بر باد می‌زنند. بچه‌ها هم باید نوعی دفتر یادداشت داشته باشند. آن فاین ضمن موافقت با این نکته می‌گوید: «شما (به‌عنوان نویسنده) می‌فهمید با چه چیزهایی می‌شود داستان نوشت یا برای استفاده در کتاب مناسب است. حس می‌کنید که انگار می‌توانم از این در کتابم استفاده کنم.»

اداره کارگاه نویسندگی

این کتاب براساس الگوی آموزش اصول نویسندگی و بر محور این نکته شکل گرفته است که می‌توان کتاب‌ها را با چشم نویسندگی خواند و همزمان توانایی نویسندگی را نیز در خود پرورش داد. هنگامی که ما شروع به نوشتن می‌کنیم، همهٔ تجربیات ما که شامل منبعی از شخصیت‌ها، مکان‌ها و حوادث است به ما کمک می‌کنند تا به اثر خود شکل دهیم. کمک گرفتن از این منبع برای بچه‌ها یا نویسندگان کوچک نیز مفید است. یک راهکار مفید دیگر این است که نمونه‌های خوب آثار نویسندگان دیگر را بخوانیم و ببینیم که آن‌ها چگونه موفق شده‌اند اثری تأثیرگذار خلق کنند. می‌توانیم به آثار بهترین نویسندگان نگاهی بیندازیم و ببینیم آن‌ها چگونه از عهدهٔ این کار برآمده‌اند و بعد تلاش کنیم تا مثل آن‌ها بنویسیم. فعالیت‌هایی که به ترتیب برای آموزش نویسندگی در این کتاب آمده است، انعطاف لازم را دارد:

۱. خواندن برخی از نمونه‌ها.
۲. تجزیه و تحلیل چگونگی نوشته شدن آنها.
۳. بحث در این باره که نویسنده چگونه توانسته است چنین تأثیری ایجاد کند.
۴. فعالیت‌های معلم که به‌عنوان نویسنده نشان می‌دهد چگونه این کار انجام می‌شود.
۵. و دیگر اینکه معلم نقش میرزابنویس را بازی می‌کند: همه حواسش به اثری است که در کلاس می‌نویسد، ضمن اینکه به دنبال بهتر کردن اثر است.
۶. سپس بچه‌ها به‌طور مستقل یا فردی اثری می‌نویسند.
۷. در آخر هم اثر آنها بررسی و منتشر می‌شود.

هدف بیشتر کارگاه‌های نویسندگی که در این کتاب شرح داده شده پرورش توانایی‌های بچه‌ها برای نوشتن جنبه‌ای از جنبه‌های مختلف داستان است، اما هر از گاهی لازم است بچه‌ها کل یک داستان و یا صحنه‌هایی از آن را بنویسند. این کار نیاز به صرف وقت بیشتری دارد. هنگام برنامه‌ریزی باید حتماً زمان کافی برای کار کردن کامل روی یک نوع خاص از داستان بگذارید. یک برنامه چهار پنج هفته‌ای، فرصت کافی به بچه‌ها می‌دهد تا نمونه‌های زیادی از یک نوع داستانی خاص را بخوانند، در کارگاه‌های نویسندگی درک بیشتری از آن نوع داستانی پیدا کنند و مهارت‌های نویسندگی خود را پرورش دهند، ضمن اینکه به طور منطقی از همه ویژگی‌های سطوح مختلف جمله نویسی^۱ در نوشته‌هایشان استفاده کنند. همه این‌ها را می‌توان با دو سه مرتبه کار کردن روی یک داستان کامل انجام داد.

بد نیست موقع برنامه‌ریزی برای خود هدف بزرگی مشخص کنید. مثلاً: «من چهار سال وقت دارم و در پایان این چهار سال بیشتر بچه‌ها باید بتوانند یک داستان پرماجرا در سطح ۳ یا حتی بالاتر بنویسند.» معنی شروع با هدف بزرگ، این است که همه کارگاه‌های نویسندگی شما با هدف اصلی آموزش، ارتباط پیدا کنند. به علاوه برنامه‌ریزی باید کیفیت نوشته‌ها را هم در نظر بگیرد و اینکه برای بهتر شدن نویسندگی بچه‌ها چه جنبه‌هایی از نویسندگی باید به آنها آموزش داده شود.

هنگام برنامه‌ریزی ضمناً باید شیوه‌های ابتکاری مختلف را برای تقویت جنبه خلاقیت بچه‌ها در نویسندگی در نظر داشت؛ شیوه‌هایی مثل استفاده از نمایش یا آثار تصویری هنری، تا بتوان به این وسیله داستان‌نویسی را در بچه‌ها تقویت کرد. دیدن مکان‌های مختلف نیز می‌تواند به بچه‌ها کمک کند تا از آنها در داستان‌شان استفاده کنند. کشف ناگهانی یک تکه از یک نقشه نیز ممکن است همچون جرقه‌ای هیجان‌انگیز برای خیال‌پردازی باشد.

ایجاد حال و هوای نویسندگی.....

در شروع جلسه نویسندگی، فضای کلاس می‌تواند بچه‌ها را به حال و هوای خلاقیت ببرد. خیلی از نویسندگان تا شرایط نوشتن برایشان فراهم نشود نمی‌توانند بنویسند. جورج مک‌بث^۲ دوست داشت موقع نوشتن پاهایش را روی یک بالش بگذارد. برنارد اشلی^۳ برای نوشتن از خودنویسی خاص و دفترچه‌ای با جلد مقوایی استفاده می‌کرد. اشلی ستونی، در یک طرف صفحه می‌نوشت و طرف دیگر را برای دستکاری خالی می‌گذاشت. مایکل مورپورگو^۴ در این باره می‌گوید: «من بیشتر مطالب را در رختخواب می‌نویسم، بلکه واقعاً در رختخواب!» بعضی از نویسندگان باید هنگام نوشتن، موسیقی گوش کنند؛ برخی نیز بدون یک فنجان قهوه نمی‌توانند بنویسند. چیزی که به نظر می‌رسد واقعیت داشته باشد این است که بسیاری از نویسندگان برای اینکه حال و هوای نوشتن پیدا کنند عادت کرده‌اند همیشه کاری تکراری را انجام دهند. در مدرسه چون معلم فضای نوشتن را به وجود می‌آورد بچه‌ها قدرت انتخاب ندارند. برای اینکه این انگیزه زودگذر خلاقیت را در بچه‌های کلاس به وجود بیاوریم باید شرایط خاصی را در کلاس ایجاد کنیم،

1. sentence level features
2. George Macbeth
3. Bernard Ashley
4. Michael Morpurgo

شرایطی مثل آنچه در زیر آمده است:

- در کلاس باید سکوت حکم فرما باشد.
- هیچ کس نباید با مسخره بازی در کلاس حال و هوای کلاس را به هم بزند.
- همه باید فعالیت کلاس را جدی بگیرند.
- معلم باید با استفاده از صدا، حرکات، رفتار و چشمانش بچه‌ها را ترغیب به نوشتن کند.

سالی ۱۱ ساله در این باره می‌گوید: «من باید در سکوت بنویسم وگرنه شخصیت‌ها و جهان فقط جوهر روی کاغذ می‌شوند و دیگر حس نمی‌کنم جادویی در آنها هست.»

خیلی از بچه‌ها دوست دارند هنگام نوشتن، موسیقی خیلی ملایمی مثل موسیقی موتسارت و گوستاو مالر^۱ هم در زمینه کلاس باشد چون احساس می‌کنند صدایی لطیف می‌تواند به خلاقیت آنها کمک کند. آنتونی ۱۱ ساله عقیده خیلی از بچه‌ها را این طور بیان می‌کند: «من برای اینکه خوب بنویسم به سکوت احتیاج دارم. اما گاهی موسیقی و حرف زدن بچه‌های دور و برم فکری به ذهنم القا می‌کند. من تقریباً هر جایی می‌توانم بنویسم البته اگر آن جای خاص احساس مناسبی در من ایجاد کند.» اما ساکت نگه داشتن کلاس به خودی خود ایجاد خلاقیت نمی‌کند! پیدا کردن سوژه‌ها و فکری شگفت‌انگیز و جذاب کمک می‌کند تا بنویسیم؛ فکری که بچه‌ها را سرشوق می‌آورد و همه حواسشان به چیزی می‌رود که باید بنویسند.

گرم کردن با کلمات.....

خیلی از معلم‌های با تجربه در امر نویسندگی کلاس‌هایشان را با بازی‌هایی که فوری تخیل را به کار می‌اندازد شروع می‌کنند. هدف از این بازی‌ها این است که ذهن گرم شود. چون مغز هم هر چه باشد بخشی از بدن است و شاید باید آن را با بازی‌هایی که شبیه ورزش زبانی هستند گرم کرد. این بازی‌ها کمک می‌کنند تا توانایی‌های زیر را در خود پرورش دهیم:

- سریع فکر کردن
- تولید یا زایش کلمات و سوژه‌ها^۲

بازی‌های مفید آن‌هایی هستند که موجب گرم کردن و تقویت تخیل می‌شوند. این بازی‌ها شامل فعالیت‌های زیر است:

- **تداعی کلمات:** یک دقیقه به بچه‌ها فرصت دهید تا هر تعداد کلمه یا عبارت که می‌توانند بنویسند. برای شروع کلماتی مثل برف، شعله آتش، توفان و دریا را با صدای بلند بگویید. آنها باید تا آنجا که می‌توانند فهرستی طولانی از کلمات را بنویسند. این کار هنگامی که بچه‌ها سعی می‌کنند موضوعی را در ذهنشان مجسم کنند برایشان مفید است.
- **تندنویسی:** زمان محدودی مثلاً سه دقیقه فرصت بدهید تا بچه‌ها به سرعت درباره موضوعی بنویسند، موضوعاتی مثل ماه، شب، ترافیک، و رعدوبرق.

1. Mahler
2. generating ideas

- چرت و پرت نویسی^۱: پنج دقیقه به آنها فرصت دهید تا فهرستی از هر نوع جمله مسخره‌ای که به ذهنشان می‌رسد بنویسند. جملاتی مثل: کاشکی شیر بودم و پروازکنان از میان نسیم می‌گذشتم؛ کاش جیرجیرک بودم و زانوهای ویولون مانند خود را تا می‌کردم؛ کاش فیل بودم و در شیپورم می‌دمیدم.
- ردیف کردن جملات: موضوعی را انتخاب کنید و در مدت دو دقیقه پنج جمله بنویسید، جملاتی مثل: ماه، صورتی پرچین و چروک است؛ ماه، سکوتی نقره‌ای است.
- سؤال بپرسید: از موضوع خود پنج سؤال احتمالی بپرسید: ماه، کفش‌هایت کجاست؟ ماه، چرا این قدر ساکتی؟

- چند جمله عاطفی بنویسید: ای ماه به من کمک کن! ماه تو دروغگو هستی!
- چند جمله امری بنویسید: با لحنی رئیس‌ماب به موضوعتان دستور بدهید: ماه، فوری از آسمان بزن به چاک! ماه بجنب خودت را بشوی، دیر شده!
- کلمات نامتجانس بنویسید: از فهرستی از اسامی^۲ دو کلمه انتخاب کنید که با هم جور در نمی‌آیند، مثل اسب و کدو. بعد به بچه‌ها چند دقیقه فرصت بدهید تا متنی داستانی بنویسند و در آن این دو اسم را به نحوی به هم پیوند دهند.
- چه می‌شد اگر: چند دقیقه به بچه‌ها فرصت دهید تا فوری چند جمله با «چه می‌شد اگر...» بنویسند؛ مثل: چه می‌شد اگر مدادها می‌توانستند حرف بزنند...؛ چه می‌شد اگر درخت‌ها می‌توانستند راه بروند...؛ چه می‌شد اگر سگ‌ها می‌توانستند پرواز کنند...
- بازی طرح سؤال: چند سؤال بپرسید تا بچه‌ها جواب بدهند. این سؤال‌ها را می‌توانید شفاهی بپرسید یا سریع برایشان بنویسید مثل: چه کسی آنجاست؟ چه کار می‌کنند؟ آنجا دیگر چه چیزهایی هست؟ هر کس چه فکری می‌کند؟ چه اتفاقی می‌افتد؟

وقتی این بازی‌ها را انجام می‌دهید برای اینکه بچه‌ها را وادار کنید تا تمرکز حواس پیدا کنند حتماً حالت شتاب ایجاد کنید. البته چیزهایی که بچه‌ها می‌نویسند چندان مهم نیست. چون شما دنبال این هستید که آنها روان و با حالتی جوششی بنویسند. در این بازی جواب غلط نداریم. چون قصد این است که ذهن‌ها را گرم و آماده کار کنید. تغییر حالت ذهن نیز ممکن است موجب شود بچه‌ها بتوانند بنویسند. استفاده از سریع‌نویسی برای آموزش مفید است، به خصوص اینکه بیشتر بچه‌ها از امکان پاک کردن تخته لذت می‌برند. چون اگر نوشته‌شان نادرست باشد می‌توانند فوری آن را پاک کنند. در واقع این امکان، ترس بچه‌ها را از بین می‌برد و به آنها کمک می‌کند تا با شجاعت بیشتری بنویسند.

آیا بچه‌ها تخیل ندارند؟.....

فیلیپ پولمان^۳ حق دارد که می‌گوید: «اگر شما چیزی نخوانید احتمال کمی دارد که بخواهید بنویسید.» چون نوشتن ریشه در خواندن دارد. ناتالی ۱۱ ساله در این باره می‌گوید: «من دوست دارم آثار

1. crazy writing
2. nouns
3. Philip Pullman

نویسنده‌های دیگر را بخوانم چون گاهی از آنها فکر و سوژه می‌گیرم. من بهترین سوژه‌هایم را وقتی به‌دست می‌آورم که فکر کنم چه می‌خواهم بگویم، بعد کلمات را طوری تغییر می‌دهم که مناسب به نظر برسند و معنی بدهند.» مشکل خیلی از بچه‌ها نداشتن تخیل نیست. وقتی من می‌نشینم به نوشتن داستان، نیمی از راه را رفته‌ام چون ذهنم پر از چیزهای مختلفی است که می‌توانم از آنها استفاده کنم، چیزهایی مثل پادشاهان، ملکه‌ها، بچه‌های جادوگر، دزدان قوی هیکل، برج‌های دورافتاده، باتلاق‌های بادگیر، مراکز شلوغ شهر، بچه‌های رهاشده و انگشترهای نامرئی... من آنقدر داستان خوانده‌ام که ذهنم مملو از عناصر لازم برای ساختن یک داستان است. فقط باید این عناصر را از منبع ذهنم بیرون بکشم. اگر بچه‌ها داستان نخوانند طبعاً این منبع را که با خواندن پر از عناصر لازم می‌شود، در اختیار نخواهند داشت. شاید بچه‌ها هم همان تخیلی را دارند که تولستوی داشت اما بدون خواندن، امکانات چندانی برای خلاقیت ندارند.

در انتظار الهام

جن مارک می‌گوید: «کسانی که داستان نمی‌نویسند، منتظر الهام می‌مانند». سرمایه لازم نویسنده در این حرفه طراحی دقیق، استفاده از تجربیات، و خیال‌پردازی درباره اتفاقات احتمالی‌ای است که در داستان رخ می‌دهد. البته در لحظات خاصی، الهام همیشه خودی نشان می‌دهد. مثلاً یک سال وقتی من داشتم یک گردو مغز می‌کردم، یکی از بچه‌های کلاس ششم داد زد: «مثل مغز آدم‌ها می‌ماند». حالا هر وقت یک گردو مغز می‌کنم، بی‌اختیار احساس می‌کنم آدم‌خوار هستم و دارم مغز کوچک یک آدم را می‌خورم. در لحظات الهام، تصاویر، فکرها و سوژه‌ها از جای نامعلومی در ذهن جرقه می‌زند، اما برای اینکه این اتفاق بیفتد، کار شدید، تمرکز ذهنی و حال و هوای نوشتن باید وجود داشته باشد. تخیل را باید به‌گونه‌ای پرورش داد که بتواند تمرکز لازم را برای خلق یک داستان از چیزهایی که ما با آنها آشنا هستیم داشته باشد. تخیل ضعیف نمی‌تواند از امکاناتی که دارد برای خلق داستان استفاده کند.

شکار سوژه‌ها

بچه‌ها تا سوژه‌هایی برای نوشتن پیدا نکرده‌اند نباید دست به قلم ببرند. استفاده از دفتر یادداشت‌های روزانه امکانات لازم را برای خلاقیت بچه‌ها فراهم می‌کند. در حقیقت خیلی از بچه‌ها به غریب کردن نیاز دارند. ترزا برسلین^۱ می‌گوید: «من اصلاً لازم نیست دنبال سوژه بگردم. سوژه‌ها همیشه دوروبرم هستند. مشکل من این است که بیش از حد فکر و سوژه، جعبه‌هایی پر از یادداشت و یک عالم، بریده مطبوعات دارم.» شاعر بریتانیایی پیترو ردگرو^۲ می‌گوید: «دنیا پر از سوژه است... می‌توانید از این سوژه‌ها استفاده کنید... این سوژه‌ها را می‌توان با استفاده از مشاهدات اتفاقی روزانه، یواشکی گوش کردن به حرف‌ها، دیدن عنوان‌های مختلف رسانه‌ها و برخی خواب‌ها پیدا کرد... این اشاره‌ها، تصویرها، فکرها، مکاشفه‌های ناگهانی، معماهای کوتاه و شروع‌های غیرمنتظره داستانی را یادداشت کنید. برخی از فنون سوژه‌یابی، تولید سوژه و ساماندهی آنها، که می‌توان به بچه‌ها یاد داد عبارت است از:

1. Theresa Breslin
2. peter Redgrove

- فهرست کردن چیزهایی که می‌دانیم.
 - تولید یا زایش کلمه و سوژه.
 - فهرست‌بندی^۱ نکات اصلی.
 - ساماندهی و ساختاربندی سوژه‌ها، مثلاً تبدیل آنها به نمودار شیوه^۲ کار^۳ یا شکل پاراگراف ساز^۴.
- بعضی از بچه‌ها در برابر داستان نوشتن مقاومت می‌کنند، چون قبلاً ساختارهای متنوع داستانی ملکه ذهنشان نشده است، به همین دلیل نوشته‌شان بی‌هدف و آشفته می‌شود. برای کمک به آنها می‌توان:
- داستان‌های معروف را بازگویی کرد.
 - داستان‌های مشهور را با تغییر شخصیت‌ها، مکان‌ها یا حوادث و حفظ ساختار آشنای آنها، نو کرد.
- تقلید و نوآوری‌های زیاد به بچه‌ها کمک می‌کند تا منبع تخیل و امکانات آنها تقویت بشود. هنگامی که بچه‌ها به قدر کافی تجربه داستانی کسب کردند، می‌توانند کم‌کم قصه‌های خودشان را خلق کنند. آنها این کار را به راحتی با به حرکت در آوردن شخصیت‌ها در یک مکان، استفاده از تجربیاتشان و خلق یک مشکل^۴ که باید حل شود، انجام می‌دهند. در این حالت نویسنده همچون استاد بزرگ شطرنج باز با مهارت از جریان قصه استفاده و با آمیختن قصه‌های مختلف، داستان تازه‌ای خلق می‌کند.
- نویسنده‌ها سوژه‌هایشان را با استفاده از موارد زیر به دست می‌آورند:
- مشاهده: آنها مستقیماً چیزی را می‌بینند یا تجربه‌ای را حس می‌کنند. تد هیوز واقعاً بیرون از قفس پلنگ‌ایستاد و این حیوان را که به سرعت بالا و پایین می‌رفت تماشا کرد. سالی ۹ ساله به من می‌گفت شعر وقتی خلق می‌شود که «شما بگویید چیزهای مختلف واقعاً شبیه چه هستند».
 - جستجوی خاطرات: استفاده از جزئیات یک خاطره.
- جنی نیمو می‌گوید: «گاهی داستان‌ها با یک وضعیت واقعی شروع می‌شوند، اما بعد از اینکه من به سرزمین ناشناخته‌های وارد می‌شوم».
- تولید فکر: هر کلمه، عبارت، یا سوژه‌های را که در ذهنشان جرقه می‌زند، به سرعت یادداشت می‌کنند. آلیسون ۱۱ ساله می‌گوید: «بعضی از سوژه‌های عالی، از تخیل من سرچشمه می‌گیرد. وقتی یک سوژه در ذهنم جرقه می‌زند فوری آن را یادداشت می‌کنم».
 - سوژه‌هایی که با خیال‌پردازی روزانه به دست می‌آید، خیال‌پردازی درباره اتفاقاتی که احتمال دارد رخ دهد. مایکل مورپرگو می‌گوید: «من از به اصطلاح خودم "زمان خیال‌پردازی" خیلی لذت می‌برم، منظورم فکر کردن به یک داستان است که در ذهنم شکل می‌گیرد.» کری ۱۰ ساله هم می‌گوید: «من سوژه‌هایم را از چیزهایی در این جهان می‌گیرم که از پس ذهنم بیرون می‌زند».

1. listing
2. flow chart
3. Paragraph plan
4. dilemma

- تجسم: تصور کردن چیزهایی در ذهن، که در حال نوشتن درباره آنها هستند. مارک ۱۰ ساله می‌گوید: «من وقتی سوژه‌هایم را به دست می‌آورم که در اتاق به فکر عمیقی فرومی‌روم. گاهی نگاه کردن از پنجره به بیرون کمک می‌کند تا تصویرهایی به ذهنم برسد.»
- گفتن قبل از نوشتن.
- با طرح سؤال‌هایی که اجازه می‌دهد ذهن پرسه بزند.
- نوشتن یادداشت‌های روزانه در دفتر یادداشت و بررسی آنها.
- چیزهایی که خوانده، شنیده یا دیده‌اند. مایکل مگوریان^۱ می‌گوید: «سوژه‌ها را من از عکس‌ها، سؤال‌هایی که می‌خواهم جوابشان را بدانم، حرف‌هایی که اتفاقی می‌شنوم و خیال‌پردازی‌های روزانه به دست می‌آورم.»

روشن کردن شعله خلاقیت.....

داستان‌نویس‌ها برای نوشتن به چیزهای زیر نیاز دارند:

- طرحی با امکانات مختلف.
- شخصیت‌هایی، که کاری کنند و اتفاقات طرح رخ دهد.
- مکانی باورکردنی.

آموزگاران داستان‌نویسی می‌توانند به شیوه‌های مختلف، جرقه تخیل بچه‌ها را در ذهنشان روشن کنند. می‌توانند این کار را خیلی ساده با دست به دست کردن یک کلید زنگ‌زده یا یک انگشتر طلا در کلاس، به عنوان نقطه شروع شکل‌گیری داستان انجام دهند. نشان دادن چگونگی نوشتن و باهم نویسی نیز راهکارهایی ضروری برای کمک به بچه‌هاست تا امکانات مختلفی را که دارند ببینند و بفهمند که چگونه باید نوشته‌هایشان را بهتر کنند. خواندن نمونه‌ها با صدای بلند درست قبل از نوشتن، باز حال و هوای نوشتن ایجاد می‌کند و متر و معیاری در اختیار بچه‌ها می‌گذارد. ضرب‌آهنگ جملات نیز باید در ذهن نویسنده طنین‌انداز شود. وقتی بچه‌ها آماده نوشتن شدند لازم است فوری به کار نوشتن بپردازند؛ چون خیلی وقت‌ها ممکن است از حال و هوای نوشتن خارج شوند.

هنگام نگارش.....

بیشتر نویسنده‌ها مکان خاصی برای نوشتن دارند. آنها باید راحت باشند و اغلب دلشان می‌خواهد محیط دور و برشان تزیینات ویژه‌ای داشته باشد. باینکه چنین چیزهایی با محیط کلاس جور در نمی‌آید، اما لازم است به برخی از رموز نوشتن اهمیت بدهید:

- هنگام نوشتن همه حواستان به نوشتن باشد: نگذارید چیزی مزاحم نوشتن شما شود؛ همه چیزهایی که حواس شما را پرت می‌کنند، نادیده بگیرید.

- حفظ سرعت: سریع بنویسید، آنقدر سریع که تقریباً وقتی برای فکر کردن نداشته باشید.
- تکرار: وقتی می‌نویسید جمله‌ها را زیر لب زمزمه کنید. جیل مورفی^۱ می‌گوید: «من همیشه گفت‌وگوهایی را که می‌نویسم با صدای بلند می‌گویم تا ببینم آیا به نظر درست می‌آیند؟» و میروسلاو هولوب^۲ می‌گوید: «من قبل از اینکه بنویسم، در ذهنم اول مطالبم را مرور می‌کنم.»
- بازخوانی: مطالبتان را دائم بازخوانی کنید تا جملات بعدی شما از دل جملات قبلی بیرون بیایند.
- تصویر کنید: چیزهایی را که می‌نویسید با چشم ذهنتان ببینید.
- داستانتان را بگویید: به صدای درونتان که قصه را تعریف می‌کند گوش کنید. جولین ۱۱ ساله می‌گوید: «من برای این می‌نویسم که دوست دارم اتفاقاتی در ذهنم برایم بیافتد، می‌خواهم تصاویری را خلق کنم که هیچ کس دیگر تا داستان‌هایم را نخواند نتواند ببیند.»

پیدا کردن فضای داستانی.....

نویسنده‌ها وارد فضایی می‌شوند به نام فضای داستانی^۳. این فضا مثل حالت خلسه است. همان‌طور که خواننده‌ها در موقع خواندن به دنیای دیگری منتقل می‌شوند که در آن می‌توانند با چشم ذهن داستانی را که کم‌کم آشکار می‌شود ببینند، نویسنده‌ها نیز باید به فضای داستانی وارد شوند تا صدای درونشان را دنبال کنند، داستان را ببینند که آشکار می‌شود و کلمات را که در روی صفحه می‌دود تعقیب کنند. خیلی از ما شاید لحظاتی از کودکی را به‌خاطر بیاوریم که در آن داستانی را آن‌قدر سریع می‌نوشتیم که مچ دستمان درد می‌گرفت. در این حالت، گویی صدایی در ذهنمان بود که داستان را برای ما تعریف می‌کرد و ما به‌عنوان نویسنده تلاش می‌کردیم پا به پای او پیش برویم و به سرعت حرف‌هایش را بنویسیم. این همان داستان‌گوی درون ذهن ما است و نویسنده‌ها باید طوری خود را تربیت کنند که به این صدای درونشان گوش کنند.

دستور زبان مناسب برای تخیل.....

هرچه بیشتر به‌طور خودکار اصول نگارش را رعایت کنید، این اصول کمتر موقع نگارش جلوی دست و پای شما را می‌گیرد. روشن‌تر بگوییم، اگر بچه‌ها هنگام نوشتن دائم نگران دستور زبان، املاء، یا جای نقطه‌گذاری‌ها باشند نوشتن آن‌ها کندتر می‌شود و دیگر نمی‌توانند روان بنویسند. اصول نگارش باید ملکه ذهن بچه‌ها بشود. آن‌ها باید چنان در انتخاب کلمات و ساختار جملات ماهر شوند که این نکات به‌هیچ‌وجه حرکت آن‌ها را حین نوشتن کند نکند. به همین ترتیب هنگام آموختن دستور زبان نیز نباید تمرکز کار را روی تعداد زیادی تمرین دستور زبان بگذاریم؛ بلکه باید چگونگی استفاده از کلمات، ساختار، جملات متنوع و نوشتن متن‌های منسجم را به بچه‌ها یاد بدهیم. دستور زبان را باید طوری به بچه‌ها آموزش داد که بتوانند از تمامی ظرفیت تخیل خود استفاده کنند.

1. Jill Murphy
2. Miroslav Holub
3. fictional space

بعد از نگارش.....

بعضی از نویسندگان دوست دارند وقتی اثرشان را نوشتند آن را کنار بگذرند و بعد از مدتی دوباره سراغ آن بیایند و آن را بازخوانی کنند. چون به این ترتیب این بار در نقش خواننده اثر آن را می‌خوانند نه به عنوان نویسنده. این روش به آن‌ها کمک می‌کند که به اثرشان شکل دهند، آن را با ویرایش و پرداخت، بهتر کنند. بچه‌ها نیز باید عادت کنند که همیشه اثرشان را با صدای بلند برای همکلاسی‌ها بخوانند. این کار معمولاً به نویسندگان کمک می‌کند که بشنوند یا ببینند در چه جاهایی از متن باید کلمات را اصلاح کنند، یا بفهمند که کجاها ناشیانه نوشته شده است. در آخر داستان‌ها، شعرها، و همینطور متون غیرداستانی را باید در کتاب‌ها، مجلات یا گلچین‌ها چاپ کنند، به شکل سی‌دی شنیداری منتشر کنند و یا برای دیگران بخوانند. داشتن مخاطب واقعی موجب می‌شود که نویسندگان به خود سخت بگیرند و اثری شایسته بنویسند.

نویسندگی به عنوان بازی جدی

نویسندگی از بسیاری جهات شبیه بازی است. اما این بازی جدی است و در آن نویسندگان دنیای تازه‌ای می‌آفرینند و به خوانندگان کمک می‌کنند تا وارد بُعد دیگری از این جهان شوند. نویسندگان می‌دانند که توان این کار را دارند، اما بچه‌ها نمی‌دانند. برای همین هم هست که باید مثل نویسنده با آن‌ها رفتار کرد تا خود را شخصیتی توانمند تصور کنند. معلم‌ها هم باید نویسندگان شوند. من هر معلم خوبی که در این زمینه دیده‌ام، شاهد بوده‌ام که با بچه‌ها و در حضور آن‌ها می‌نویسد و گاه با آن‌ها همراهی می‌کند. تد هیوز وضعیت‌های نگارش را به نحوی موزن در این گفته‌اش خلاصه کرده است: «معلم به دانش آموزان امکانات زیاد تخیل و محدودیت‌های کم آن را نشان می‌دهد و اعتماد به نفس و انگیزه طبیعی را برای نوشتن در آن‌ها به وجود می‌آورد و بعد احتمالاً گوشه‌هایی - شاید نه خیلی زیاد بلکه اندکی - از آن استعداد همگانی ما کم‌کم آشکار می‌شود».